

Developing a Model for Firms Survival in Iranian Capital Market: Based on the "Puteong" model

Ghaderi F¹, Pakmaram A², Galibafe Asl H³, Bahri Sales J⁴

Abstract

Companies face everlasting challenges to survive. Successful introduction to a market and competition is always with a high level of uncertainty and is limited in many ways. Thus, a huge number of companies especially the ones founded recently leave the capital market very soon. Theoretically embedded in Putang (2011)'s model, this study is to develop a model for the survival of companies using the causative relationships between sustainability of accounting and survival of companies with an emphasis on moderating role of desirable market value, motivational commitment of employees and acceptance of prominent stakeholders. The population in this study included a set of selected companies. The data were also collected using a standard questionnaire. Firstly, the reliability and validity tests were administered on sample data. Then, based on the model of Lineal Structural Relations, the data were analyzed. Findings revealed that that survival of companies is affected by acceptance of prominent stakeholders. In other words, recognition of the overt role of stockholders, responsibility toward welfare in society and ethical responsibilities increase the survival rate for companies. Furthermore, sustainability of accounting (awareness of accounting ethics, voluntary accounting activities, transparency of accounting ideology, divulging human capital and reporting social responsibility) significantly affect desirable market value, motivational commitment of employees and acceptance of prominent stakeholders.

Keywords: Firm Survival, Accounting Sustainability, PLS

JEL: L25,M41,C30

-
- 1 . Corresponding Author, Ph.D. Student of Accounting, Bonab Islamic Azad University, E-mail: ghaderi.gh@gmail.com
 - 2 . Associate Prof., Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University Bonab Branch, Bonab, Iran. E-mail:pakmaram@bonabiau.ac.ir
 - 3 . Associate Prof., Faculty of Literature and Humanities, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: ghalibafasl@yahoo.com
 - 4 . Assistant Professor, Department of Accounting, Ourmie Islamic Azad University, E-mail: bahrisls.j@gmail.com

ارائه مدلی برای بقای شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران:

برازش مدل «پوتانگ»^۱

فرزاد قادری^۲، عسگر پاک مرام^۳، حسن قالیباف اصل^۴، جمال بحری ثالث^۵

چکیده

شرکت‌ها به‌طور مستمر برای بقای خود با چالش مواجه‌اند. ورود موفق شرکت‌ها به بازار سرمایه و رقابت در آن با عدم اطمینان بالایی همراه است و محدودیت‌های گوناگونی دارد. از این رو، تعداد زیادی از شرکت‌ها مخصوصاً شرکت‌های جدید پس از ورود، بازار سرمایه را زود ترک می‌کنند. پژوهش حاضر، با پیروی از پژوهش پوتانگ (۲۰۱۱) به ارائه مدلی برای بقای شرکت‌ها از طریق پیش‌بینی روابط علی میان پایداری حسابداری و بقای شرکت‌ها با تأکید بر نقش تعدیلی ارزش بازاری مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران و کارشناسان مالی شرکت‌های مورد بررسی بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شده است. پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌های نمونه، تحلیل‌های مربوط بر اساس رویکرد مدل یابی ساختاری^۶ صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بقای شرکت‌ها تحت تأثیر پذیرش ذینفعان برجسته قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر به رسمیت شناختن نقش آشکار سهامداران، مسئولیت نسبت به رفاه جامعه و مسئولیت‌های اخلاقی موجب افزایش بقای شرکت‌ها می‌شود. همچنین، پایداری حسابداری (آگاهی اخلاق حسابداری، فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری، شفافیت طرز تفکر حسابداری، افشای سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی) بر ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته تأثیر معنی‌داری دارد.

واژه های کلیدی: بقای شرکت، پایداری حسابداری، معادلات ساختاری

طبقه‌بندی موضوعی: L25, M41, C30

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/jfm.2019.26259.2092

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب، بناب، ایران. Email: Ghaderi.gh@gmail.com

۳. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب، بناب، ایران، نویسنده مسئول، Email: pakmaram@bonabiau.ac.ir

۴. دانشیار گروه مدیریت مالی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، Email: ghalibafasl@yahoo.com

۵. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، ارومیه، ایران، Email: bahrisls.j@gmail.com

6. Lineal Structural Relations

مقدمه

موجودیت یک شرکت زنده و فعال، همانند همه سازمان‌ها، برای بقا و بهبود وضع خویشتن است؛ یعنی از همه توان بالقوه خود استفاده می‌کند و تا آنجا که میسر است و توان دارد، گسترش می‌یابد. ورود موفق به بازار و رقابت، با بی اطمینانی بالا همراه است و محدودیت‌های گوناگونی دارد. از این رو، تعداد زیادی از شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌های جدید پس از ورود، بازار را زود ترک می‌کنند؛ بنابراین، در بعضی صنایع یا مناطق، فقط اقلیتی از شرکت‌های تازه تأسیس بقاء می‌یابند (فالک و استفان، ۲۰۰۶). هدف شرکت‌های سهامی و مدیران آن‌ها، بیشینه‌سازی ارزش حقوق صاحبان سهام و به‌بیان‌دیگر، بیشینه نمودن ارزش شرکت و سهام آن است (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). بیشینه کردن ارزش شرکت، مستلزم به‌کارگیری بهینه‌ی منابع مالی و کسب بازده و مخاطره (ریسک) متناسب است تا با استفاده از آن‌ها بتوان راهبردهای لازم را در جهت افزایش بقاء و تداوم شرکت‌ها تدوین نمود. هرچند بقای شرکت‌های جدید برای توسعه اقتصادی مهم است، تعدادی اندکی از شرکت‌های جدید ایجادشده، بقاء می‌یابند (شان، ۲۰۰۰).

از آغاز قرن ۲۱ پایداری شرکت‌ها به‌عنوان یک مسئله ضروری مطرح است به‌طوری‌که به‌عنوان یک چالش مثبت در اقتصاد و تجارت تشخیص داده‌شده است تا به‌طور گسترده در بخش‌های عمومی و اجتماعی به کار گرفته شود. افزایش توجه و تقاضا برای شفافیت و پاسخگویی در زمینه توسعه پایدار شرکت‌ها، مدیران را به این سمت هدایت می‌کند تا اطمینان حاصل کنند که توسعه پایدار، اقتصاد مثبت و فشار جامعه را علیه محیط و اجتماع منفی، متوازن می‌کند. پایداری حسابداری مطابق با مفهوم سه‌گانه می‌بایست تأثیر اقتصادی^۱، اجتماعی^۲ و زیست‌محیطی^۳ سازمان را که پیش‌نیاز بقای شرکت‌ها می‌باشد بیان کند. درحالی‌که حسابداری سنتی تنها بر نتایج مالی و اقتصادی ناشی از فعالیت‌های تجاری برای به حداکثر رساندن سود سهامداران متمرکز است و به‌تازگی پایداری حسابداری بر روی ادغام اخلاق در جامعه، محیط‌زیست و اقتصاد تأکید کرده است (پوتانگ، ۲۰۱۱). هر دو رفتار اخلاقی و اقتصادی می‌تواند در رسیدن به هدف شرکت‌های بزرگ در نظر گرفته شوند. به خاطر اینکه رفتار اخلاقی می‌تواند پاداش اقتصادی را برای شرکت‌ها به همراه بیاورد (نمازی و رجب‌دری، ۱۳۹۶).

1 . Falck and Stephan
2 . Economic
3 . Social
4 . environmental

مفهوم پایداری حسابداری عملاً مربوط به یک دوره در ۴۰ سال گذشته است که فرآیند و پایه‌گذاری آن ناشی از تحولات پدید آمده در رشته حسابداری و توجه به مفاهیم و ریشه حسابداری به‌عنوان یک مفهوم بسیار وسیع‌تر از ابعاد مالی است و به دنبال و پیرو مفهوم محدود و نوپای آن در طول چند سال گذشته مطرح شده است. این تغییر و توسعه ایجاد شده نشان‌دهنده دو نگرش فکری مستقل است که در نگرش اول، نگرش فلسفی در مورد فرایند و نقش پاسخگویی سازمان‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با توسعه پایدار را مطرح می‌کند و عنوان می‌شود که این عوامل، از جمله عواملی هستند که در حرکت سازمان‌ها به سمت پایداری مؤثرند. بر همین اساس در این نگرش مفاهیم حسابداری بر روی یک سیستم کاملاً جدید حسابداری طراحی می‌شود و برای ترویج استراتژی پایداری سازمان‌ها مؤثر هستند نگرش دوم، توجه به چشم‌انداز مدیریت در ارتباط با شرایط و ابزار متنوع و مؤثر در جهت پایداری سازمان است (پوتانگ، ۲۰۱۱). اگر شرکت نیاز به پایداری را نادیده بگیرد، آنگاه مخاطرات بالقوه بارهای غیرقابل تحمل در پایداری به وجود می‌آید. همچنان که وورلد کام^۱ و فروپاشی آنرون^۲ و بحران اقتصادی آسیا^۳ در سال ۱۹۷۷ و در شرکت‌های تابعه ایالات متحده^۴ در سال ۲۰۰۷ همگی از نبود پایداری حسابداری نشأت گرفته‌اند، بنابراین عدم وجود اخلاق و شفافیت در حسابداری، به‌عنوان یک مسئله مهم مطرح است (مرزاکو و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به مشکلات به وجود آمده در زمینه بقای شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران، مسئله این پژوهش چگونگی درک میزان بقای شرکت‌ها در قبال ابعاد پایداری حسابداری است. همچنین، با توجه به مطالعات انجام‌شده در ایران در زمینه ارائه مدلی برای بقای شرکت‌ها، پژوهش حاضر مؤلفه‌هایی را مورد آزمون قرار داده که در پژوهش‌های قبلی آزمون نشده است. از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چه مدلی برای بقای شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران مناسب است؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، از یک طرف پیش‌بینی روابط علی پایداری حسابداری و بقای شرکت‌ها و از طرف دیگر نقش تعدیلی متغیرهای ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته بر آن مطالعه می‌شود. در حقیقت مطالعه حاضر مفهوم جدیدی از بقای شرکت‌ها^۵ را معرفی می‌کند. از این رو، انتظار می‌رود نتایج پژوهش حاضر بتواند به مدیران،

-
- 1 . WorldCom
 - 2 . Enron
 - 3 . Asian Economic Crisis
 - 4 . USA
 - 5 . Marzuki
 - 6 . Firm Survival

تحلیل گران مالی، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان در درک بهتر بقای شرکت‌ها در قبال ابعاد پایداری حسابداری، کمک کرده و آن‌ها را در اتخاذ تصمیم‌های صحیح مالی و سرمایه‌گذاری کمک نماید. این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین تبیین روش پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه یافته و سپس به تشریح نتایج آزمون فرضیه‌ها پرداخته است؛ و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌گردد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

این پژوهش برای طرح مبانی نظری از تئوری مشروعیت^۱، تئوری ذینفعان^۲، تئوری اخلاقی^۳، تئوری مسئولیت اجتماعی^۴ و تئوری بقاء^۵ پیروی می‌کند.

پایداری حسابداری^۶

زمینه تاریخی پایداری حسابداری مربوط به سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۱ و تاکنون بوده که در دوران مختلف، موضوعاتی متفاوت درباره آن‌ها بیان شده است. در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۸۰ حجم انبوهی از پژوهش‌های تجربی امکان ارائه مدلی که در آن حمایت آشکاری از حسابداری اجتماعی را نشان دهد، رخ داد. در این دوره نقش آسیب‌پذیری محیط‌زیست از طریق صدمه به زمین، هوا، آب، ایجاد سروصدا، اشکالات بصری و زیبایی‌شناختی و دیگر آلودگی‌ها در سطح جامعه و محیط مطرح شد، سهم این دوره در ایجاد تحولات گسترده در زمینه‌های حسابرسی اجتماعی درخور توجه بود (هوپ و ود^۷ و همکاران، ۲۰۱۰). در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۱ پژوهش‌های مرتبط با حسابداری محیط‌زیست افزایش یافت. در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۱ تسلط تقریباً کاملی بر حسابداری زیست‌محیطی و حسابداری مسئولیت اجتماعی و ارتباط آن با موضوع توسعه پایدار شرکت‌ها به وجود آمد (وانگ^۸ و همکاران، ۲۰۱۶؛ پوتانگ، ۲۰۱۱).

- 1 . legitimacy theory
- 2 . Stakeholders theory
- 3 . Moral theory
- 4 . Theory of Social Responsibility
- 5 . Theory of Survival
- 6 . Accounting Sustainability
- 7 . Hopwood
- 8 . Wang

پایداری حسابداری سازمان‌ها را برای توسعه ویژگی‌های عملی در محیط و زمینه‌های حسابداری فردی و اجتماعی گرد هم می‌آورد که شامل اخلاق حسابداری برای ارتباط بهتر همراه با کارایی و استراتژی شرکت می‌باشد (کالر^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). پایداری حسابداری مفاهیم مسئولیت اجتماعی، اخلاق حسابداری و ذینفعان تأکید دارد که شامل مؤلفه‌های (آگاهی اخلاق حسابداری، فعالیت داوطلبانه حسابداری، شفافیت طرز فکر حسابداری، افشای سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی) می‌باشد.

الف) آگاهی اخلاق حسابداری: آگاهی اخلاق حسابداری یک شرکت بر ارزش‌ها و قضاوت‌های اخلاقی و تصمیم‌گیری در عمل طبق اصول حسابداری توجه دارد؛ بنابراین قضاوت اخلاقی باید مبتنی بر شایستگی، محرمانه بودن، صداقت، بی‌طرفی استوار باشد (ماریون و کانجیج^۲، ۲۰۰۱)، آگاهی اخلاقی یک رکن اساسی از طرز عمل حرفه حسابداری است، به طوری که هر حسابدار باید توانایی اخلاقی را دارا باشد، زیرا این مقوله جنبه‌ی مهمی برای کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده است. به همین جهت مؤسسات حرفه‌ای حسابداری، به منظور بهبود اخلاق حرفه‌ای، آگاهی اخلاق حسابداری را به اعضای خود آموزش می‌دهند و یا تشخیص می‌دهند که آموزش دهند (سرنیکا^۳، ۲۰۰۷). در رفتارهای اخلاقی افزایش اطمینان سهامداران به شرکت به عنوان یکی از خواسته‌های اخلاقی و یک هدف مهم باید در نظر گرفته شود (گرنینگ و توربن^۴، ۲۰۰۲، پترسون^۵، ۲۰۰۴، بارمر^۶ و همکاران، ۲۰۰۷، علی^۷ و همکاران، ۲۰۱۰).

ب) فعالیت داوطلبانه حسابداری^۸: فعالیت داوطلبانه حسابداری (افشای اطلاعات حسابداری) به تصمیم شرکت برای فراهم نمودن اطلاعات یا تطبیق استانداردهای حسابداری اشاره دارد (آراگون^۹ و همکاران، ۲۰۰۷). فعالیت داوطلبانه حسابداری عمدتاً دربرگیرنده رعایت سیاست‌ها، روش‌ها و قوانین مرتبط به منظور حفظ شرکت در بالاترین سطح پذیرش اجتماعی و شهرت در بازار می‌باشد. امروزه شرکت‌های مختلف دست به روش‌های مختلفی برای داوطلبانه نشان دادن خود در بهبود مدیریت محیط‌زیست حتی فراتر از الزامات قانونی را برمی‌گزینند که این موضوع گاهی منجر به

-
- 1 . Keller
 - 2 . Marion and Cengage
 - 3 . Cernica
 - 4 . Greening and Turban
 - 5 . Peterson
 - 6 . Brammer
 - 7 . Ali
 - 8 . Voluntary Accounting Proactiveness
 - 9 . Aragón-Correa

بهبود عملکرد مالی و تولید پویای شرکت‌ها می‌گردد (آراگون و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین، شرکت‌های بزرگ برای اقدامات بازاری خاص خود به گونه‌ای متعهد هستند که نسبت به افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی خود اقداماتی را ترتیب داده تا سود و شهرت بیشتر ناشی از فعالیت داوطلبانه نصیبشان گردد. در نهایت نیز افشای فعالیت داوطلبانه حسابداری شرکت‌های بزرگ از لحاظ اخلاقی به سهامداران کمک می‌کند تا برای به دست آوردن حقانیت شرکت گام‌های مؤثری را بردارند. به عبارتی دیگر فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری برای بهبود اطلاعات و تطبیق بهتر اقدامات حسابداری با واقعیت‌های اقتصادی بکار می‌رود (لینچ^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

ج) شفافیت طرز فکر حسابداری^۲: صندوق بین‌المللی پول^۳ و کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا^۴ شفافیت طرز فکر حسابداری را به درجه‌ای از قابل فهم، قابل درک و قابل اطمینان بودن اطلاعات به نحوه‌ای که منجر به فعال کردن سیستم بازار کارآمد و تصمیم‌گیری عقلانی می‌شود، تعریف می‌نمایند. شفافیت طرز فکر حسابداری به اطلاعات قابل اعتماد اشاره دارد که کاربران را قادر به یک تصمیم‌گیری دقیق می‌سازد یا به عبارتی شفافیت طرز فکر حسابداری شامل اطلاعات قابل اعتمادی است که منجر به تصمیم‌گیری دقیق و صحیح کاربران می‌شود. بدین معنا که شفافیت طرز فکر حسابداری یک دیدگاه درباره افشای کامل پروسه‌ها، فرآیندها، فرضیه‌ها در آماده‌سازی گزارش است. به عبارت دیگر شفافیت طرز فکر حسابداری برای شفاف کردن فعالیت‌های حسابداری است. شرکت‌ها برای اطلاعات قابل اطمینان درباره عملکرد متناسب، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ارزش و میزان ریسک شرکت‌ها از شفافیت طرز فکر حسابداری استفاده می‌کنند. شرکت‌ها برای جلوگیری از راکد ماندن و به خاطر انتظارات جامعه به شفافیت نیازمند هستند (بوشمن^۵ و همکاران، ۲۰۰۴). ویلیامز (۲۰۰۵) خاطر نشان کرد که اعتماد، شفافیت را در چارچوبی اجتماعی انتقال می‌دهد و برای منافع سازمان و سهامداران عامل مؤثری در جهت کارایی و اثربخشی است. علاوه بر این اعتماد ریشه‌ای از شفافیت، وفاداری کارکنان و رضایتمندی شغلی دارد (یو^۶، ۲۰۰۵).

1 . Linch, Lopez

2 . Transparency Accounting Mindset

3 . International Monetary Fund (IMF)

4 . United State Securities and Exchange Commission (US SEC)

5 . Bushman

6 . Yu

د) افشای سرمایه انسانی^۱: سرمایه انسانی اشاره به آموزش، دانش، مهارت، یادگیری، تخصص و تجربه دارد. افشای سرمایه انسانی به‌عنوان افشای اطلاعات سازمانی درباره آموزش کارکنان، دانش، مهارت‌های یادگیری، تخصص‌ها و تجارب در گزارش مالیاتی آن‌ها تعریف شود (آرمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). هوانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۰) بیان کردند که افشای سرمایه انسانی از نظر شکل و محتوای گزارش متنوع است و عمدتاً داوطلبانه و اغلب دیدگاه افشای کافی اطلاعات سرمایه انسانی مهم است چون نه تنها بر توانایی یک شرکت برای استخدام و حفظ بهترین افراد اثر می‌گذارد، برای یک شرکت ارزش بالقوه نیز ایجاد می‌کند. اطلاعات سرمایه انسانی در تصمیم‌گیری بالقوه شرکت در آینده یک جزء مهم است و به نفع شرکت‌هایی است که به دنبال جلب رضایت تمام سرمایه‌گذاران متقاضی اطلاعات برای افزایش ارزش بازار می‌باشند (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰). بر این اساس برای سودمندی در گزارش‌های شرکت، شرکت‌ها در حال تکمیل گزارش‌های مالی اجباری با افشای داوطلبانه درباره سرمایه فکری از جمله سرمایه انسانی هستند (اکسیان و همکاران، ۲۰۱۰، ۴).

ه) گزارش مسئولیت اجتماعی: گزارشی که بر فعالیت کسب و کار و حتی عوامل منفی اثرگذار بر آن نظیر کارکنان، مشارکت اجتماعی، نگرانی زیست‌محیطی و سایر مباحث اخلاقی اثر بگذارد، تعریف می‌شود. به این منظور گزارش مسئولیت اجتماعی در حال پررنگ‌تر شدن به سمت تقویت عملکرد محیطی و بهبود محیط کار و رفاه اجتماعی است که خود ممکن است بهترین تبلیغات برای یک شرکت باشد (برانکو و رودریگز، ۲۰۰۸). باتاچاریا و سن^۶ (۲۰۰۳) بیان کردند که هنوز درک محدودی از اینکه آیا و چگونه مسئولیت اجتماعی بر روی سود و ارزش بازار شرکت‌ها اثر می‌گذارد، وجود دارد؛ پس نیاز به پژوهش‌های بیشتر برای ارزیابی اثر مسئولیت اجتماعی احساس می‌گردد. علاوه بر این مسئولیت اجتماعی، از تعهد سازمانی کارکنان نیز به‌عنوان یک متغیر از انگیزه کارکنان در شرکت حمایت می‌نماید؛ بنابراین، کارکنان بیشتر از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی متأثر می‌شوند؛ اگر کارکنان بیشتری به سازمان متعهد شوند، یقیناً آن‌ها به‌طور مستقیم بر روی عملکرد و ارزش بازار شرکت‌ها اثر خواهند گذاشت (علی و همکاران، ۲۰۱۰).

1 . Human Capital Disclosure
 2 . Unerman
 3 . Huang
 4 . Xian
 5 . Branco and Rodrigues
 6 . Bhattacharya and Sen

بقای شرکت

بنگاه‌های اقتصادی که از نظر وضعیت حیات به انسان‌ها تشبیه شده‌اند، زمانی متولد شده و پس از طی مراحل مختلف حیات، به صورت متفاوتی می‌میرند؛ اما آنچه در مورد حیات بنگاه‌های اقتصادی معنا و مفهوم می‌یابد طول دوره حیات آن‌هاست. چراکه شاید بتوان با شناسایی عوامل تأثیرگذار بر طول دوره حیات بنگاه‌های اقتصادی، خروج آن‌ها را از فعالیت اقتصادی به تأخیر انداخت. تشکیل کسب و کارهای جدید و ورود شرکت‌ها به بازار سرمایه به‌عنوان یک محرک مهم در فعالیت‌های اقتصادی است و عامل اصلی و محرک توسعه اقتصادی در یک کشور است (اسجو کوئیست و کریستی، ۲۰۰۶).

نرخ تغییر و تحول در بنگاه‌های صنعتی که به وسیله‌ی تشکیل شرکت‌های جدید و افول شرکت‌های موجود ایجاد می‌شود در سال‌های اخیر در بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است (اکسیان و همکاران، ۲۰۱۰). افزایش رقابت، کارایی، نوآوری و بهبود فناوری با ورود شرکت‌های جدید به بازار سرمایه در سطح صنعت ایجاد می‌شود. تشکیل بنگاه‌های صنعتی، نقش کلیدی در تکامل و شکل‌دهی یک صنعت دارد. بنگاه‌های جدید، عامل اصلی ایجاد پویایی در اقتصاد هستند، چراکه از طریق ارائه کالا و خدمات جدید، عرضه فناوری جدید، افزایش رقابت در بازار و گسترش صنعت باعث این پویایی می‌شوند (عرب، ۲۰۱۱).

شرکت‌ها به‌طور مستمر برای بقای خود با چالش مواجه‌اند. ورود موفق به بازار و رقابت با عدم اطمینان بالایی همراه است و محدودیت‌های مختلفی دارد. از این رو، تعداد زیادی از شرکت‌ها مخصوصاً شرکت‌های جدید پس از ورود، بازار را زود ترک می‌کنند؛ بنابراین در بعضی از صنایع تنها تعداد کمی از تازه‌واردان بقاء می‌یابند. تا زمانی که دانش شرکت‌ها درباره فرآیندهای رشد و توسعه بهبود نیابد، موفقیت و شکست شرکت‌ها نیز مسئله‌ی مبهمی خواهد بود (مدهوشی و تاری، ۱۳۸۹). مطالعات نشان می‌دهند که احتمال بقاء به‌طور معنی‌داری در بین شرکت‌های هر صنعت متفاوت است و بخشی از این ناهماهنگی‌ها با ویژگی‌های خاص صنعت توضیح داده می‌شوند. در واقع نوع خط‌مشی انتخابی بنگاه، به نوع عامل مؤثر در این ناهماهنگی برمی‌گردد (اودرش، هاولینگ و تریک، ۲۰۰۰). با اینکه ایجاد شرکت‌های جدید دارای اهمیت است، می‌توان میزان رشد و طول عمر آن‌ها را نیز به‌عنوان عاملی در نظر گرفت که در دستیابی به اهداف سیاست‌های بلندمدت در زمینه اشتغال و رشد اقتصادی اهمیت به‌سزایی دارد (دولینگر، ۱۹۹۹).

1 . Sjoquist & Christie
2 . Audretsch & Houweling & Thurik
3 . Dollinger

ارزش بازار مطلوب^۱

ارزش بازار را می‌توان به‌عنوان ارزش کلی یک شرکت یا بازار برتر که سهامداران یا سرمایه‌گذاران یک سهم از سهام عادی را در یک‌زمان خرید و فروش می‌نمایند تعریف نمود. ارزش بازار منجر به رشد قیمت می‌شود و ظرفیت قیمت برای رشد بیشتر در آینده را نشان می‌دهد. رشد سهام دارای یک سابقه رشد ثابت یا متغیر از گذشته است (کاستسکی^۲، ۲۰۱۰). علاوه بر این، نشانه‌های رشد سهام، نشانه رشد در آینده را نیز نشان دهد که نشانگر ارزش بازار شرکت و پایداری شرکت است (بجتی و تراووتو^۳، ۲۰۱۱).

تعهد انگیزشی کارکنان^۴

تعهد انگیزشی کارکنان به معنی به رسمیت شناختن ارزش سازمانی و تمایل به عضویت و ادامه همکاری با سازمان است (جانسون، ۲۰۱۱). تعهد انگیزشی کارکنان از کارمندی نشأت می‌گیرد که اعتقاد دارند آینده‌شان به سازمان گره خورده و تمایل به فداکاری شخصی برای سازمان دارند. به‌وضوح تعهد کارکنان به‌طور بالقوه‌ای در درون کسب و کار با شرکت‌های با ارزش وجود دارد یا برای به دست آوردن منافع نیروی کار متعهد در سازمان تلاش‌های وافری می‌نمایند تا تعهد انگیزشی کارکنان روزبه‌روز افزایش یابد؛ بنابراین، برای ارتقای سطح تعامل با تعهد انگیزشی کارکنان شیوه‌های روزمره و معمولی مانند استخدام، آموزش، مدیریت عملکرد و بررسی نیروی کار وجود دارد که می‌تواند نقش یک اهرم قدرتمند را در سازمان بازی کند (مودی^۵ و همکاران، ۱۹۸۲).

پذیرش ذینفعان برجسته^۶

فریمن^۷ (۱۹۸۴) ذینفعان را فرد یا گروهی که تحت تأثیر اهداف شرکت قرار می‌گیرند، تعریف کرده است. از این‌رو، پذیرش ذینفعان برجسته می‌تواند به‌عنوان به رسمیت شناختن نقش آشکار سهامداران در شرکت‌های بزرگ تعریف شود. انتظار سهامداران بر روی عملیات و سیاست‌های

- 1 . Excellent Market Value
- 2 . Kusnetzky
- 3 . Becchetti and Trovato
- 4 . Motivational Employee Commitment
- 5 . Mowday
- 6 . Outstanding Stakeholder Acceptance
- 7 . Freeman

شرکت، فشار می‌گذارد به طوری که شرکت را ملزم به پاسخگویی به این انتظارات می‌کند. کلارکسون^۱ (۱۹۹۵) ذینفع را مانند کسی که چیزی را در معرض ریسک قرار می‌دهد، معرفی می‌کند. این امر بدین معناست که برای قدرتمندتر شدن ذینفع که بتواند بر روی شرکت اثر بگذارد باید بر روی نیازها و علاقه او که از عملیات شرکت متأثر می‌شود، تمرکز نمود.

پیشینه تجربی

پوتانگ (۲۰۱۱) به بررسی روابط علی ابعاد پایداری حسابداری با بقای شرکت‌ها پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که عناصر پایداری حسابداری (اخلاق حسابداری، فعالیت‌های داوطلبانه، شفافیت، افشای سرمایه انسانی و مسئولیت اجتماعی) با بقای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تایلند مستقیم و معنی‌دار است. ویلسون^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که ویژگی‌های هیئت‌مدیره در ارتباط با بقاء یا شکست در شرکت‌های خانوادگی، به میزان چشمگیری کمتر از شرکت‌های غیر خانوادگی مشاهده می‌شود و به این نتیجه رسیدند که این ویژگی‌ها در احتمال افزایش بقای شرکت‌های خانوادگی مهم هستند. پژوهش والکویست (۲۰۱۴) نشان داد شرکت‌های خانوادگی تازه تأسیس، نسبت به شرکت‌های خانوادگی قدیمی، تمایل بیشتری به دریافت بدهی، به ویژه بدهی‌های بلندمدت با تمرکز مالکیت بالا دارند؛ ولی برخلاف تمایل بیشتر به بقاء، آن شرکت‌های خانوادگی که به شدت به بدهی‌ها روی آورده‌اند، احتمال بقای کم‌تری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی دارند و زودتر افول می‌کنند. مطالعه دلنا و وست^۳ (۲۰۱۶) اطلاعاتی ارزشمند را در مورد احتمال ورشکستگی شرکت به دست آورد. این اطلاعات به اعضای زنجیره تأمین اجازه می‌دهد تا به سه گروه اولویت‌بندی شوند: شرکت‌های سالم با مخاطره فوری، شرکت‌های با ویژگی ورشکستگی فوری و شرکت‌های دارای سطوح متوسط مخاطره که نیاز به نظارت دارند. ویتمن^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان داد که گزارشگری پایدار موجب افزایش بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و حاشیه سود شرکت‌ها می‌شود. لوح^۵ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه پایداری گزارشگری و ارزش شرکت پرداخته و به این نتیجه

1 . Clarkson
2 . Wilson
3 . Dellana & West
4 . Whetman
5 . Loh

دست‌یافته‌اند که پایداری گزارشگری مالی موجب افزایش ارزش شرکت شده و حاکمیت شرکتی نیز موجب تقویت ارتباط این دو متغیر می‌گردد.

مدهوشی و نصیری (۱۳۸۹) به بررسی رابطه ویژگی‌های صنعت بر بقای شرکت‌های تازه‌وارد پرداخته به این نتیجه دست یافتند که رابطه معنی‌داری میان نرخ رشد صنعت، متوسط اندازه و نرخ ورود با باقی شرکت‌ها وجود دارد. پژوهش تاری (۱۳۹۱) نشان داد که بین میانگین سرمایه‌گذاری در صنعت و بقای شرکت‌های ایجادشده در آن صنعت، رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد ولی میانگین اشتغال در صنعت بر نرخ بقای این شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری ندارد. رسولی قهرودی و فخرایی (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط ساختار سرمایه و ساختار مالکیت با بقای شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که میان ساختار سرمایه و بقای شرکت‌ها رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ بنابراین، افزایش بدهی‌های شرکت و مالکیت عمده، موجب افزایش احتمال خروج شرکت از بورس می‌گردد و افزایش مالکیت نهادی و قیمت سهام شرکت با کاهش احتمال خروج شرکت از بورس همراه است. وفقی و دارابی (۱۳۹۷) با رویکرد مدل معادلات ساختاری در تحلیل سه سطحی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که معیارهای ریسک و معیارهای حاکمیت شرکتی نسبت به معیارهای عملکرد حسابداری و متغیرهای کلان اقتصادی بر درماندگی مالی اثرگذار هستند. صالحی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارائه الگوی تعدیلی از مدل‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای با استفاده از ریسک درماندگی مالی و چرخه عمر شرکت پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد میزان نرخ بازده مورد انتظار در دوره بعد از دخالت ریسک درماندگی مالی کاهشی بوده است. همچنین، از بین مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها، میانگین بازدهی پرتفوی سهام جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در مرحله بلوغ و افول، بیشتر است.

فرضیه‌های پژوهش

با پیروی از رویکرد پوتانگ و همکاران (۲۰۱۱) و پونومارو (۲۰۱۲) در ردیابی مدل بقای شرکت‌ها، مدل تدوین‌شده به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اساس فرضیه‌های تدوین‌شده زیر آزمون شده است.

شرکت‌ها برای اینکه در طولانی مدت یا کوتاه مدت بقاء داشته باشند، فقط به مسئولیت اجتماعی وابسته نیستند بلکه به اخلاق حسابداری نیز احتیاج دارند (کالر و همکاران، ۲۰۰۷). دلیل اهمیت

آگاهی اخلاق حسابداری این است که سرمایه‌گذاران و ذینفعان از روی اطلاعاتی که حسابداران گزارش می‌نمایند تصمیم‌گیری می‌نمایند، اگر سرمایه‌گذاران و ذینفعان نتوانند به اطلاعات گزارش شده متکی شوند، احتمال بقای شرکت کاهش خواهد یافت (فoster و جانکر^۱، ۲۰۰۵). بر این اساس، فرضیه نخست پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: پایداری حسابداری بر بقای شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

شرکت‌های در حال توسعه با توجه به اصول اخلاقی برای مواجهه با سهامداران باید روابط قابل اعتمادتر و مطمئن‌تری داشته باشند، زیرا منجر به افزایش ارزش اطلاعاتی و افزایش ارزش سهام و افزایش بقای شرکت‌ها و پیامدهای آن می‌شود. از طرفی آگاهی اخلاقی از طریق افزایش رضایت، تأثیر بسیار مثبتی بر روی ذینفعان می‌گذارد (برونر^۲ و همکاران، ۲۰۰۷)، یا به عبارت بهتر آگاهی اخلاقی به سهامداران کمک می‌کند تا در تصمیمات خود روشی که قابل قبول‌تر و معقول‌تر است را انتخاب نمایند. از این‌رو، در نهایت آگاهی اخلاقی بر روی ارزش بازار شرکت، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته اثر بالقوه دارد. فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری ابزار مؤثری برای بهبود عملکرد شرکت و منافع سهامداران است. از این‌رو، فعالیت‌های حسابداری داوطلبانه اثر بالقوه‌ای بر روی ارزش بازار، تعهد کارکنان و پذیرش ذینفعان دارد (داسک^۳ و همکاران، ۲۰۰۷).

شفافیت طرز فکر حسابداری پاسخی به تقلب‌های پی‌درپی است. قانون ساربنزاکسلی^۴ در سال ۲۰۰۲ که علیه ابهام مدیریتی و بحران قابل توجه در بازار سرمایه بوده است، یک واکنش به لزوم رعایت شفافیت طرز فکر حسابداری است. شفافیت حسابداری یک شرکت بر بازار سرمایه و کارایی آن اثرات قابل توجهی دارد. به این دلیل اطلاعات نامتقارن، میزان انعطاف‌پذیری (میزان ریسک، فعالیت‌های بازار سرمایه و هزینه سرمایه) را کاهش می‌دهد. شفافیت همواره به‌عنوان زیربنای اعتماد سرمایه‌گذاران در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو، شفافیت طرز فکر حسابداری اثر بالقوه‌ای بر روی ارزش بازار، تعهد انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته دارد (یو، ۲۰۰۵). مطالعات پیشین نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سرمایه انسانی و ارزش بازار مطلوب وجود دارد. با این حال بهره‌وری سرمایه انسانی بستگی به استعداد کارکنان، انگیزه، پاداش، مهارت، تجربه، سلامت و حتی حالات هیجانی دارد؛ بنابراین، تحلیل سرمایه انسانی باید شامل شایستگی‌ها و نگرش‌ها باشد؛ بنابراین،

1 . Foster & Jonker
2 . Berrone
3 . Daske
4 . Sarbanes-Oxley

افشای سرمایه انسانی بر ارزش بازار، تعهد انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته اثر بالقوه دارد (اکسیان و همکاران، ۲۰۱۰).

زمانی که گزارش‌های مسئولیت اجتماعی توسط سهامداران شرکت‌ها، مشتریان، اعتباردهندگان، تصمیم‌گیرندگان و گروه زیست‌محیطی (تعهد شرکت به حفظ محیط‌زیست) تهیه گردید، این امر به منزله رعایت مسئولیت اجتماعی (تعهد سازمانی) شرکت تلقی می‌گردد و این تعهد مهم برای ارزیابی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر روی ارزش بازار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (برانکو و رودریگز، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، سلامت مالی یک شرکت، یک ابتکار و عمل استراتژیک و آزمون نهایی از موفقیت و شکست یک شرکت خواهد بود. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی با عملکرد شرکت مرتبط است. از این رو، بر مبنای رویکرد رشد قیمت سهام باید ارزش جریان‌های نقدی آتی را منعکس کند و بنابراین شاخصی قابل اتکا برای اندازه‌گیری تأثیر فعالیت‌های افشای مسئولیت اجتماعی^۱ بر روی عملکرد شرکت می‌باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

بر این اساس، فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:

فرضیه دوم: پایداری حسابداری بر ارزش بازاری مطلوب تأثیر می‌گذارد.

فرضیه سوم: پایداری حسابداری بر تعهدات انگیزشی کارکنان تأثیر می‌گذارد.

فرضیه چهارم: پایداری حسابداری بر پذیرش ذینفعان برجسته تأثیر می‌گذارد.

پژوهش‌های تجربی در ارزش بازار و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های افشای مسئولیت اجتماعی، شرکت را قادر می‌سازد که یک پایگاه از مشتریان راضی به وجود بیاورد که این مشتریان راضی به نوبه خود منجر به ارزش بازار مثبت می‌شوند (لو^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). از این رو، ارتباط معنی‌داری بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد آن‌ها وجود دارد و همچون رقابت بین شرکت‌ها و زیانی که متحمل می‌شوند، ممکن است بقای شرکت را به خطر بی‌اندازد، به یکدیگر وابسته‌اند (امان و نگیان^۳، ۲۰۰۸).

پژوهشگران در رشته‌های مختلف، بقای شرکت را از دیدگاه‌های متعدد مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهشگران مالی سعی در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت با استفاده از نسبت‌های مالی و جریان‌های نقدی دارند. برخی نسبت‌های مالی شامل بازده سرمایه‌گذاری، اهرم مالی، نقدینگی کوتاه‌مدت، جریان نقدی، گردش موجودی و غیره برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت بکار می‌روند. از این رو، برای تحلیل ارزش

1 . CSR

2 . Luo

3 . Aman and Nguyen

بازار که بر روی بقای شرکت اثر می‌گذارد فرضیه‌ای وجود خواهد داشت (بانرجی^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). مدیریت کارکنان و بهره بردن از دانش کارمندان برای موفقیت شرکت‌ها امری حیاتی است. برای ایجاد بیشترین ارزش در شرکت مهارت‌ها، آموزش کارکنان، تعهد کارکنان، نگرش، رفتار مثبت کارکنان، انگیزش کارکنان در نظر گرفته می‌شود. در مجموع هر چه تعهد کارکنان بیشتر باشد، احتمال دارد آن‌ها عملکرد بهتری را از خود نشان دهند. به‌رحال بخش عمده‌ای از یک شرکت به مراقبت از کارکنانش اختصاص داده شده است، از نظر تجربی پژوهش‌های کمی در مورد ارتباط بین تعهد انگیزشی و بقای شرکت وجود دارد. حال به‌منظور تعیین تأثیر انگیزش کارکنان بر بقاء شرکت می‌توان فرضیه‌ای را مطرح نمود (ونس^۲، ۲۰۰۶). بر این اساس، فرضیه‌های پنجم، ششم و هفتم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:

فرضیه پنجم: ارزش بازاری مطلوب بر بقای شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

فرضیه ششم: تعهدات انگیزشی کارکنان بر بقای شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

فرضیه هفتم: پذیرش ذینفعان برجسته بر بقای شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

مطالعه فالک و هبیچ^۳ (۲۰۰۷) نشان داد که اگر هدف شرکت بقاء و دستیابی اهداف مشخص شده باشد، بهترین راه برای پاسخ به این سؤال این است که بررسی کرد آیا رفتار شرکت در قبال جامعه مطلوب است که جامعه به مساعدت آن بیاید. پرستون و ساج^۴ (۲۰۰۲) اذعان کردند شرکت‌هایی که درباره رفاه جامعه مسئولیت ندارند، نمی‌توانند بقاء داشته و موفق باشند؛ بنابراین، شرکت‌هایی بقاء دارند و موفق هستند که مسئولیت‌های اخلاقی (شامل طیف وسیعی از استانداردها) را دارا باشند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۶). زمانی یک شرکت سود گزارش می‌کند که از طریق رعایت رفتارهای اخلاقی، برای جذب منابع، افزایش عملکرد و ایجاد مزیت رقابتی رضایت سهامداران خود را گرفته باشد. در این مرحله ارزش بازار مطلوب و پذیرش ذینفعان برجسته به صورت بالقوه روابط بین پایداری و حسابداری و بقای شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جانسون و هولوب^۵، ۲۰۰۶). بر این اساس، فرضیه‌های هشتم، نهم و دهم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه هشتم: پایداری حسابداری، بر بقای شرکت‌ها از طریق ارزش بازاری مطلوب تأثیر می‌گذارد.

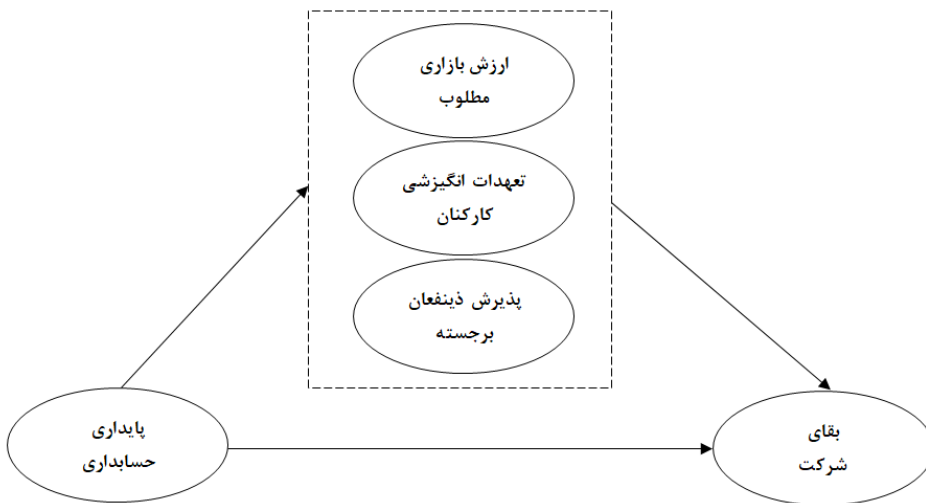
فرضیه نهم: پایداری حسابداری، بر بقای شرکت‌ها از طریق تعهدات انگیزشی کارکنان تأثیر می‌گذارد.

فرضیه دهم: پایداری حسابداری، بر بقای شرکت‌ها از طریق پذیرش ذینفعان برجسته تأثیر می‌گذارد.

-
- 1 . Banerjee
 - 2 . Vance
 - 3 . Falck and Hebich
 - 4 . Preston and Sachs
 - 5 . Johnson and Holub

مدل مفهومی پژوهش

مدل، رابطه بین سطح نظری (تئوری) و کار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌باشد. مدل‌ها شامل نشانه‌ها و علائم هستند، یعنی خصوصیات برخی از پدیده‌های تجربی (شامل اجزاء و ارتباط آن‌ها) به‌طور منطقی از طریق مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می‌شود؛ بنابراین، مدل منعکس‌کننده واقعیت است و جنبه‌های معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند منسجم می‌سازند و روابط عمده را در میان جنبه‌های مذکور روشن می‌کند و سرانجام امکان آزمایش تجربی تئوری را با توجه به ماهیت این روابط فراهم می‌کند. بعد از آزمایش مدل درک بهتری از بعضی از قسمت‌های دنیای واقعی حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه مدل دستگامی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه را تسهیل می‌کند (خاکی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین با توجه به استدلال فوق، فرضیه‌های تدوین شده و مبانی نظری در ردیابی مدل بقای شرکت‌ها، مدل مفهومی پژوهش به‌صورت شکل (۱) تدوین شده است:



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ارائه مدلی برای بقای شرکت‌ها از طریق پیش‌بینی روابط علی میان پایداری حسابداری و بقای شرکت‌ها با تأکید بر نقش تعدیلی ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته است. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و از نظر روش‌های

گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی مبتنی بر رویکرد مدل یابی ساختاری می‌باشد و از روش پرسشنامه آنلاین^۱ و حضوری در مرحله گردآوری اطلاعات و رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی^۲ در مرحله استنتاج استفاده نموده است. در همین راستا در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که واجد شرایط زیر بودند، برای جامعه آماری انتخاب و مطالعه شدند:

- سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ باشد؛
 - در قلمرو زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران فعال باشد؛
 - فعالیت اصلی به‌جز سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانکی و لیزینگ داشته باشد.
- به‌منظور پخش پرسشنامه در بین مدیران مالی یا کارشناسان مالی شرکت‌های مورد مطالعه، طی سه ماه به دفتر مرکزی یا کارخانه ۳۹ شرکت مراجعه و طی ۴۳ پرسشنامه از طریق شبکه‌های اجتماعی به‌صورت آنلاین اطلاعات جمع‌آوری شد. مراجعات منتهی به پخش پرسشنامه ۸۲ شرکت بود که از این تعداد ۲۳ مورد به دلیل عدم کفایت یا صحت داده‌ها، مردود شناخته شد و تعداد مشاهدات صحیح را به ۵۹ شرکت رساند. در مورد کفایت حجم نمونه در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز باید گفت، برای کسب نتایج معتبر و قابل‌تعمیم، طبق نظریه چن^۳ و همکارانش (۲۰۰۳)، حجم نمونه باید نسبت ۱۰ مورد به ازای هر پارامتر برآورد شده باشد. بنتلر و چو (۲۰۰۶) نیز ۵ مورد را به ازای هر پارامتر پیشنهاد کرده‌اند (هیر و همکاران، ۲۰۰۶، بنتلر و چو، ۲۰۰۶)؛ بنابراین، با توجه به مدل ساختاری این پژوهش، مشاهدات (پرسشنامه-شرکت) موجود (۵۹ مورد) به لحاظ آماری کفایت می‌کند.

در این مطالعه، متغیر مکنون درون‌زا (بقای شرکت)، متغیر مستقل (پایداری حسابداری) و متغیرهای تعدیلی (ارزش بازاری مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته) به روش پرسشنامه استاندارد شده سنجیده شده است. سؤالات این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه استاندارد شده پوتانگ و همکاران (۲۰۱۱) و پونومارو (۲۰۱۲) است. به‌علاوه، برای توسعه و بومی‌سازی ابزار پژوهش متناسب با محیط کشور و تأیید روایی آن، از نظر استادان دانشگاه و خبرگان بازار سرمایه کشور بهره‌برده شد. جدول ۱ اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1 . <https://survey.porsline.ir/s/FFMF5qp/>

2 . PLS(Partiallesat square)

3 . Chin

جدول ۱. متغیرهای مدل پژوهش

ردیف	نام متغیر	نماد	نقش	نوع	ساختار
۱	پایداری حسابداری	SA	مستقل	ادراکی	انعکاسی
۱-۱	آگاهی اخلاق حسابداری	AEA			
۲-۱	فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری	VAP			
۳-۱	شفافیت طرز فکر حسابداری	TAM			
۴-۱	افشای سرمایه انسانی	HCD			
۵-۱	گزارشگری مسئولیت اجتماعی	SRR			
۲	بقای شرکت	FS	مکنون	ادراکی	انعکاسی
۳	ارزش بازاری مطلوب	EMV	تعدیلی	ادراکی	انعکاسی
۴	تعهدات انگیزشی کارکنان	MEC	تعدیلی	ادراکی	انعکاسی
۵	پذیرش ذینفعان برجسته	MEC	تعدیلی	ادراکی	انعکاسی

یافته‌های پژوهش

در جدول ۲، اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به نمونه آماری ارائه شده است. حدود ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان، در سمت مدیر مالی یا رئیس حسابداری مرد بودند. همچنین، سطح تحصیلات بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان کارشناسی ارشد و بالاتر بوده و شایان ذکر است که این دسته از افراد، مشارکت بهتری از حیث قبول پاسخ به پرسشنامه و کیفیت پاسخگویی داشته‌اند.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۴۶	۷۸
	زن	۱۳	۲۲
سن (سال)	کمتر از ۳۰	۴	۷
	۳۱ تا ۴۰	۳۴	۵۷
	۴۱ تا ۵۰	۱۶	۲۸
	۵۱ تا ۶۰	۵	۸
سطوح تحصیلات	کارشناسی و پایین‌تر	۱۷	۲۹
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۴۲	۷۱
فعالیت	دفتر مرکزی	۱۶	۲۷
	شرکت	۴۳	۷۳

تحلیل مدل و آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، از نسخه ۳,۲,۷ نرم‌افزار آماری SMART-PLS استفاده شد. زمانی که حجم مشاهدات اندک است یا توزیع نرمالی ندارد، ترجیح بر به کارگیری نرم‌افزارهایی نظیر SMART-PLS است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). در مدل پژوهش، متغیرها به صورت سازه‌های انعکاسی سطح بالاتر، مدل‌سازی گردید. مراحل کار و روش‌های استفاده شده مطابق جدول ۳ است.

جدول ۳. خلاصه مراحل تحلیل داده‌ها

پایایی شاخص‌ها		
آلفای کرونباخ	پایایی	
پایایی مرکب	بررسی تک‌بعدی بودن	
روایی همگرا (AVE) و تشخیصی		ارزیابی مدل اندازه‌گیری (اعتبار بیرونی)
معیار فرتل و لاکر	روایی اंतरقی	روایی
بررسی اعتبار اشتراک	همبستگی سازه‌ها و هم خطی چندگانه (VIF)	
برآورد ضریب مسیر		
ضریب تعیین (R^2) متغیرهای پنهان درون‌زای		ارزیابی مدل ساختاری (اعتبار درونی)
ارتباط پیش‌بین		
وارسی اعتبار اشتراکی		
وارسی اعتبار حشو		بررسی شاخص‌های کیفیت مدل
معیار نیکویی برازش (GOF) و ریشه مجذور میانگین باقیمانده (SRMR)		
بررسی ضرایب معادلات Z مربوط به هر یک از فرضیه‌ها		آزمون فرضیه‌ها

به منظور ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)، پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها ارزیابی می‌شود. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای هر یک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ به دست آمد. همچنین، تمام شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به منظور بررسی روایی سازه‌های مدل، از روایی همگرا و روایی تشخیصی استفاده شد. معیار متوسط واریانس استخراج شده برای ارزیابی روایی همگرای تمام سازه‌های مدل، بیشتر از ۰/۵ است و با توجه به اینکه جذر میانگین واریانس استخراج شده در قطر ماتریس بیشتر از همبستگی یا سازه با سازه‌های دیگر است، بنابراین ملاک مذکور نیز از حد قابل قبولی برخوردار است؛ بنابراین، کیفیت سازه‌های مدل از روایی مناسبی برخوردار هستند.

به‌منظور ارزیابی مدل ساختاری (مدل درونی)، پس از محاسبه ضرایب مسیر، بارهای عاملی و واریانس تبیین شده متغیرها به‌وسیله دستور الگوریتم PLS، معناداری مسیرها و بارهای عاملی با استفاده از روش بوت استراپ^۱ برای به دست آوردن مقادیر t بررسی می‌شود. نتایج معناداری مسیرها در جدول زیر مشاهده می‌گردد.

جدول ۴. بررسی روابط بین سازه‌های پژوهش و معناداری آن‌ها

مسیر	ضریب مسیر	انحراف معیار	سطح معناداری*	تفسیر
SA → FS	۰/۲۰۲	۰/۱۳۸	۱/۴۶۱	عدم تأیید
SA → EMV	۰/۵۰۵	۰/۰۹۹	۵/۰۹۹	تأیید
SA → MEC	۰/۴۴۰	۰/۱۱۰	۴/۰۱۴	تأیید
SA → OSA	۰/۴۹۷	۰/۰۷۱	۶/۹۵۳	تأیید
EMV → FS	۰/۲۰۶	۰/۱۲۶	۱/۶۳۷	عدم تأیید
MEC → FS	۰/۰۳۸	۰/۱۳۷	۰/۲۷۹	عدم تأیید
OSA → FS	۰/۴۹۷	۰/۱۴۶	۳/۴۰۷	تأیید
SA * EMV → FS	۰/۰۷۰	۰/۱۲۴	۰/۵۵۶	عدم تأیید
SA * MEC → FS	۰/۰۶۹	۰/۱۲۱	۰/۵۷۴	عدم تأیید
SA * OSA → FS	۰/۱۸۹	۰/۱۲۰	۱/۵۸۲	عدم تأیید

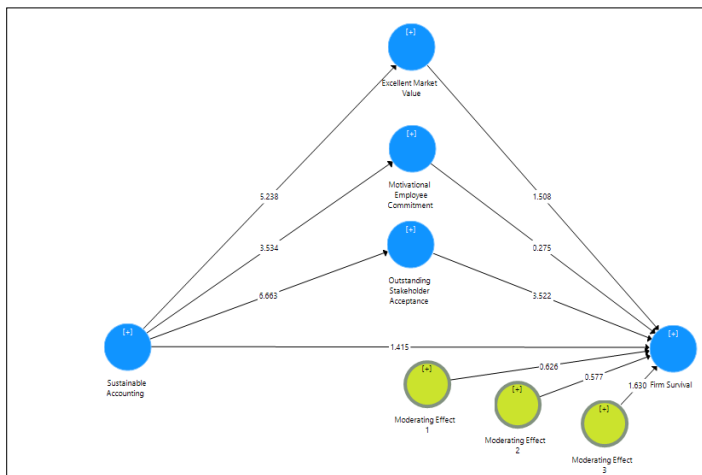
*Sig > ۹۵٪

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود؛ مسیر حسابداری پایداری بر FS معنادار نبوده $(t=1/461 < 1/96)$ از این رو فرضیه اول مبنی بر تأثیر پایداری حسابداری بر بقای شرکت‌ها رد می‌شود. مسیر حسابداری پایداری بر MEC معنادار بوده $(t=5/099 > 1/96)$ از این رو فرضیه دوم مبنی بر تأثیر پایداری حسابداری بر ارزش بازار مطلوب تأیید می‌شود. مسیر حسابداری پایداری بر EMV معنادار بوده $(t=4/014 > 1/96)$ از این رو فرضیه سوم مبنی بر تأثیر پایداری حسابداری بر تعهدات انگیزشی کارکنان تأیید می‌شود. مسیر حسابداری پایداری بر OSA معنادار بوده $(t=6/953 > 1/96)$ از این رو فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر پایداری حسابداری بر پذیرش ذینفعان برجسته تأیید می‌شود. مسیر ارزش بازاری مطلوب بر EMV معنادار نبوده $(t=1/637 < 1/96)$ از این رو فرضیه پنجم مبنی بر تأثیر ارزش بازار مطلوب بر بقای شرکت‌ها رد می‌شود. مسیر تعهدات انگیزشی کارکنان بر FS معنادار نبوده $(t=0/279 < 1/96)$ از این رو فرضیه ششم مبنی بر تأثیر تعهدات

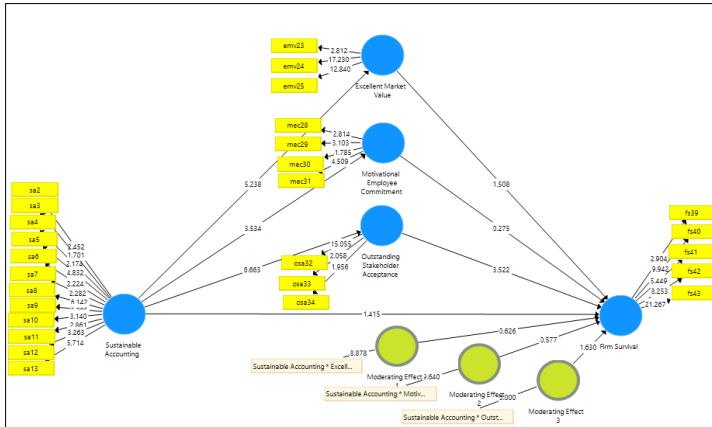
1 . Bootstrapping

۲. رویکرد Bootstrapping روشی مناسب برای ایجاد خطاهای استاندارد یا ارزش‌های t می‌باشد. در زمانی که اندازه نمونه کوچک و دقت برآوردگرها مطرح باشد، این روش می‌تواند خطاها را به‌وسیله روش بازنمونه‌گیری محاسبه نماید و فاصله اطمینان یا انحراف استاندارد مناسب و پرتوانی را ارائه نماید. همچنین این روش، زمانی که تابع توزیع احتمال برآوردگرها نامشخص یا پیچیده باشد، برای برآورد واریانس برآوردگرها بهره گرفته می‌شود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

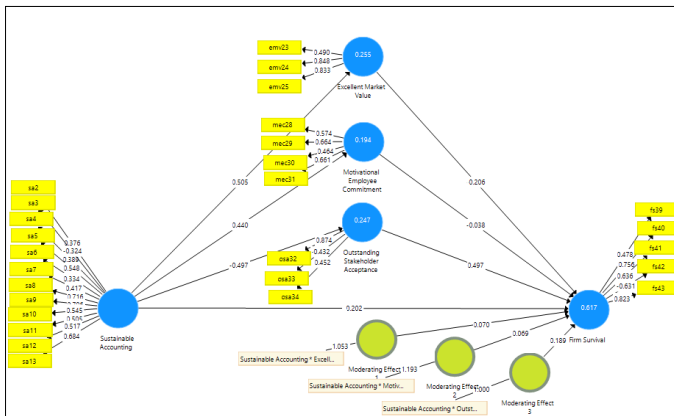
انگیزشی کارکنان بر بقای شرکت‌ها رد می‌شود. مسیر پذیرش ذینفعان برجسته بر FS معنادار بوده $(t=3/407 > 1/96)$ ، از این رو فرضیه هفتم مبنی بر تأثیر پذیرش ذینفعان برجسته بر بقای شرکت‌ها تأیید می‌شود. ردیف‌های آخر جدول به بررسی اثر غیرمستقیم حسابداری پایداری بر بقای شرکت‌ها از طریق ارزش بازاری مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته می‌پردازد. از آنجا که مسیر حسابداری پایداری بر FS از طریق EMV معنادار نبوده $(t=0/556 < 1/96)$ ، از این رو فرضیه هشتم مبنی بر تأثیر حسابداری پایداری بر بقای شرکت‌ها از طریق ارزش بازاری مطلوب رد می‌شود و از آنجا که مسیر حسابداری پایداری بر FS از طریق MEC معنادار نبوده $(t=0/574 < 1/96)$ ، از این رو فرضیه نهم مبنی بر تأثیر حسابداری پایداری بر بقای شرکت‌ها از طریق تعهدات انگیزشی کارکنان رد می‌شود و همچنین از آنجا که مسیر حسابداری پایداری بر FS از طریق OSA معنادار نبوده $(t=1/582 < 1/96)$ ، از این رو فرضیه دهم مبنی بر تأثیر حسابداری پایداری بر بقای شرکت‌ها از طریق پذیرش ذینفعان برجسته رد می‌شود. در مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری مورد بررسی، برای اندازه‌گیری برازش مدل بیرونی از میانگین اشتراک و برای برازندگی مدل ساختاری از ضریب تعیین R^2 استفاده می‌شود. مقدار میانگین اشتراک نشان‌دهنده درصدی از تغییرات شاخص‌ها است که به وسیله سازه متناظر توجیه می‌شود و پژوهش‌گران سطح قابل قبول برای اشتراک آماری را بیشتر از ۰/۵ ذکر کرده‌اند (لی^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به مقادیر R^2 که نشان‌دهنده توانایی مدل در توصیف سازه است، مدل ارائه‌شده برازش مناسبی دارد. همچنین برازندگی مدل، برابر ۰/۵۷ محاسبه شد که گویای برازندگی مناسب آن است. در ادامه مدل اصلاح‌شده به صورت زیر خواهد بود:



شکل ۲. مدل ساختاری به همراه آماره‌های t



شکل ۳. نتایج آزمون t مدل اصلاح شده



شکل ۴. ضرایب ساختاری مدل اصلاح شده

نتیجه گیری و بحث

پژوهش حاضر یک ساختار جدید پایداری حسابداری و بقای شرکت‌ها با تأکید بر ادغام مؤلفه‌های مختلف از دیدگاه‌های متفاوت را پیشنهاد می‌کند. از این رو، در این پژوهش عناصر مختلف پایداری حسابداری یعنی (اخلاق، فعالیت داوطلبانه، شفافیت، سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی) و بقای شرکت‌ها شناسایی و تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که پایداری حسابداری بر بقای شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد

به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط پوتانگ (۲۰۱۱)، فوستر و جانکر (۲۰۰۷) و کالر و همکاران (۲۰۰۵)، می‌توان چنین استنباط نمود که شرکت‌ها برای اینکه در طولانی‌مدت یا کوتاه‌مدت بقاء داشته باشند، باید دارای ویژگی‌های پایداری حسابداری شامل گزارشگری مسئولیت اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاق حسابداری باشند؛ بنابراین، اگر سرمایه‌گذاران و ذینفعان نتوانند به این اطلاعات متکی شوند، احتمال بقای شرکت کاهش خواهد یافت. از این‌رو، نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش پونومارو (۲۰۱۲) و پوتانگ (۲۰۱۱) همسو نبوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش نیست.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم نشان داد که پایداری حسابداری بر ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته تأثیر معناداری دارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، پوتانگ (۲۰۱۱)، اکسیان و همکاران (۲۰۱۰)، برانکو و همکاران (۲۰۰۸)، برونر و همکاران (۲۰۰۷)، داسک و همکاران (۲۰۰۷)، یو (۲۰۰۵)، می‌توان چنین استنباط نمود که شرکت‌ها با توجه به اصول اخلاقی برای مواجهه با سهامداران باید روابط قابل‌اعتمادتر و مطمئن‌تری داشته باشند، زیرا منجر به افزایش ارزش اطلاعاتی و افزایش ارزش سهام و افزایش بقای شرکت‌ها و پیامدهای آن می‌شود. یا به عبارت بهتر گزارشگری پایداری حسابداری به سهامداران کمک می‌کند تا در تصمیمات خود روشی که قابل‌قبول‌تر و معقول‌تر است را انتخاب نمایند و در نهایت اخلاق حسابداری، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و شفافیت در گزارشگری مالی بر روی ارزش بازار شرکت، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته اثر بالقوه دارد. فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری ابزار مؤثری برای بهبود عملکرد شرکت و منافع سهامداران است؛ بنابراین، فعالیت‌های حسابداری داوطلبانه اثر بالقوه‌ای بر روی ارزش بازار، تعهد کارکنان و پذیرش ذینفعان دارد. شفافیت همواره به‌عنوان زیربنای اعتماد سرمایه‌گذاران در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو، شفافیت طرز فکر حسابداری و افساء سرمایه انسانی اثر بالقوه‌ای بر روی ارزش بازار، تعهد انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته دارد. از این‌رو، نتایج این سه فرضیه با نتایج پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۶) و پوتانگ (۲۰۱۱) همسو بوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پنجم، ششم نشان داد که متغیرهای ارزش بازار مطلوب و تعهدات انگیزشی کارکنان تأثیر معنی‌داری بر بقای شرکت‌ها ندارد. در حالی که نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم مؤید آن است که متغیر پذیرش ذینفعان برجسته تأثیر معنی‌داری بر بقای شرکت‌ها دارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط

ویتمن (۲۰۱۸)، وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، پوتانگ (۲۰۱۱) و بانرجی و همکاران (۲۰۰۷)، می‌توان چنین استنباط نمود که تحلیل ارزش بازار بر روی بقای شرکت اثر می‌گذارد. هر چه تعهد کارکنان بیشتر باشد، احتمال دارد آن‌ها عملکرد بهتری را از خود نشان دهند. از نظر تجربی پژوهش‌های کمی در مورد ارتباط بین تعهد انگیزشی و بقای شرکت وجود دارد. انگیزش کارکنان بر بقاء شرکت تأثیر دارد. از این رو، نتایج فرضیه پنجم و ششم با نتایج پژوهش پونومارو (۲۰۱۲) و پوتانگ (۲۰۱۱) همسو نبوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش نیست، در حالی که نتایج فرضیه هفتم با نتایج پژوهش پونومارو (۲۰۱۲) و پوتانگ (۲۰۱۱) همسو بوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش است.

همچنین، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های هشتم، نهم و دهم نشان داد که متغیرهای ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته بر تعامل بین پایداری حسابداری و بقای شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری ندارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، پوتانگ (۲۰۱۱)، فالک و هیچ (۲۰۰۷)، جانسون و هوپ (۲۰۰۶)، ساج (۲۰۰۲)، می‌توان چنین استنباط نمود شرکت‌هایی که درباره رفاه جامعه مسئولیت ندارند، نمی‌توانند بقاء داشته و موفق باشند؛ بنابراین، شرکت‌هایی بقاء دارند و موفق هستند که مسئولیت‌های اخلاقی (شامل طیف وسیعی از استانداردها) را دارا باشند. زمانی یک شرکت سود گزارش می‌کند که از طریق رعایت رفتارهای اخلاقی، برای جذب منابع، افزایش عملکرد و ایجاد مزیت رقابتی رضایت سهامداران خود را گرفته باشد. در این مرحله ارزش بازار مطلوب و پذیرش ذینفعان برجسته به صورت بالقوه روابط بین پایداری و حسابداری و بقای شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، نتایج این سه فرضیه با نتایج پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۶) و پوتانگ (۲۰۱۱) همسو نبوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش نیست.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که پایداری حسابداری موجب افزایش ارزش بازار مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته می‌شود. طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، ارزش بازاری مطلوب، تعهدات انگیزشی کارکنان و پذیرش ذینفعان برجسته تحت تأثیر ابعاد پایداری حسابداری قرار می‌گیرد. به عبارتی، می‌توان ابعاد پایداری حسابداری را عامل فزاینده این سه سازه دانست. از این رو، به مدیران، سرمایه‌گذاران بالفعل، بالقوه و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به بحث پایداری حسابداری داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند زیرا پایداری حسابداری می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری آن‌ها در سرمایه‌گذاری باشد. همچنین، طبق نتایج پژوهش بقای شرکت‌ها تحت تأثیر پذیرش ذینفعان برجسته

قرار می‌گیرد. به عبارتی، می‌توان سازه پذیرش ذینفعان برجسته را عامل فزاینده بقای شرکت‌ها دانست. از این رو، به مدیران، سرمایه‌گذاران بالفعل، بالقوه و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به بحث پذیرش ذینفعان برجسته داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند زیرا این سازه می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری آن‌ها باشد.

طبق نتایج پژوهش با توجه به اینکه تأثیر ابعاد پایداری حسابداری (اخلاق حسابداری، فعالیت‌های داوطلبانه، شفافیت، افشای سرمایه انسانی و مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی) بر بقای شرکت‌ها مشاهده نگردید، لذا در مورد اهمیت پایداری حسابداری بر ماندگاری و بقای شرکت‌ها و ایجاد محیط رقابتی شفاف در سطح صنعت و همچنین، ایجاد محیط شفاف اطلاعاتی و اتخاذ تصمیم بهینه سرمایه‌گذاران به صاحب‌نظران و مدیران بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود تدابیری بیندیشند. چون گزارشگری با تکیه بر ابعاد پایداری حسابداری حالت ظاهری داشته و برای سرمایه‌گذاران و ذینفعان در بازار سرمایه از محتوای اطلاعاتی چندانی برخوردار نبوده و به ادامه حیات و بقای شرکت‌ها و همچنین در قبال مسئولیت اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی کمک قابل توجهی نمی‌کند. همچنین، به مدیران شرکت‌ها و سایر گروه‌های ذی‌ربط نیز پیشنهاد می‌شود در خصوص پایداری حسابداری شرکت‌ها اهتمام لازم انجام شود تا ابعاد آن از حالت ظاهری خارج شده و به یک ابزار مهم برای تصمیم‌گیری تبدیل شده و ادامه فعالیت را در بازار سرمایه ایران برقرار نماید.

همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، نقش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی بر بقای شرکت‌ها در سطح صنعت انجام گیرد.

منابع

- تاری، غ. ۱۳۹۱. بررسی اثرات میانگین اشتغال و سرمایه گذاری در صنعت بر بقای شرکت های جدید. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۵(۴): ۱۲۱-۱۳۶.
- خاکی، غ. ۱۳۹۰. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات بازتاب.
- داوری، ع. رضازاده. آرش. ۱۳۹۳. مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رسولی قهرودی، م. فخرایی. ا. ۱۳۹۶. تاثیر ساختار سرمایه و ساختار مالکیت بر بقای شرکت ها در بورس اوراق بهادار، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۲(۱). صص. ۷۳-۱۰۱.
- سیدعباس زاده، م. امانی ساری لگلو، ج. خضری آذر، ه. پاشوی. ق. ۱۳۹۳. مقدمه ای بر مدل یابی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ارومیه.
- صالحی، م. حجازی، ر. طالب نیا، ق. امیری. ع. ۱۳۹۸. ارائه الگوی تعدیلی از مدل های ارزش گذاری دارایی های سرمایه ای با استفاده از ریسک درماندگی مالی و چرخه عمر شرکت، راهبرد مدیریت مالی، ۱۷(۱). صص. ۹۵-۱۲۲.
- مدهوشی، م. نصیری. آ. ۱۳۸۹. تأثیر ویژگی های صنعت بر بقای شرکت های تازه وارد؛ مطالعه موردی: صنایع تبدیلی استان مازندران، مدیریت اجرایی، ۱۰(۱). صص. ۱۲۷-۱۴۷.
- مدهوشی، مهرداد. تاری. غ. ۱۳۸۶. تأثیر سرمایه اولیه در بقای شرکت های تولید کوچک و متوسط در ایران. دانش و توسعه، ۲(۲۰). صص. ۱۴۷-۱۶۶.
- نمازی، م. رجب دری. ح. ۱۳۹۶. بررسی تعامل سازه های الگوی توسعه پایدار اخلاق حرفه ای حسابداری با استفاده از فن دیمتل، پژوهش های حسابداری مالی، ۹(۱). صص. ۷۱-۹۰.
- نمازی، م. کرمانی. ا. ۱۳۸۷. تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۵(۳۵). صص. ۸۳-۱۰۰.
- وفقی، ح. داراب. ر. ۱۳۹۷. رویکرد مدل معادلات ساختاری در تحلیل سه سطحی درماندگی مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، ۶(۳). صص. ۱۸۹-۲۱۵.
- Ali, I. Rehman, K. U. Ali, S. I. Yousaf, J. & Zia, M. (2010). Corporate social responsibility influences, employee commitment and organizational

- performance. *African journal of Business management*, 4(13), pp.2796-2801.
- Aman, H. & Nguyen, P. (2008). Do stock prices reflect the corporate governance quality of Japanese firms? *Journal of the Japanese and International Economies*, 22(4), pp.647-662.
 - Anand, G. Ward, P. T. Tatikonda, M. V. & Schilling, D. A. (2009). Dynamic capabilities through continuous improvement infrastructure. *Journal of operations management*, 27(6), pp.444-461.
 - Andriof, J. Waddock, S. Husted, B. & Rahman, S. S. (2017). *Unfolding stakeholder thinking: Theory, responsibility and engagement*. Routledge.
 - Aragón-Correa, J. A. & Rubio-Lopez, E. A. (2007). Proactive corporate environmental strategies: myths and misunderstandings. *Long Range Planning*, 40(3), pp.357-381.
 - Audretsch, D. B. Houweling, P. & Thurik, A. R. (2000). Firm survival in the Netherlands. *Review of industrial organization*, 16(1), pp.1-11.
 - Banerjee, S. Kauffman, R. J. & Wang, B. (2007). Modeling Internet firm survival using Bayesian dynamic models with time-varying coefficients. *Electronic Commerce Research and Applications*, 6(3), pp.332-342.
 - Becchetti, L. & Trovato, G. (2011). Corporate social responsibility and firm efficiency: a latent class stochastic frontier analysis. *Journal of Productivity Analysis*, 36(3), pp.231-246.
 - Bhattacharya, C. B. & Sen, S. (2003). Consumer-company identification: A framework for understanding consumers' relationships with companies. *Journal of marketing*, 67(2), pp.76-88.
 - Brammer, S. Millington, A. & Rayton, B. (2007). The contribution of corporate social responsibility to organizational commitment. *The International Journal of Human Resource Management*, 18(10), pp.1701-1719.
 - Branco, M. C. & Rodrigues, L. L. (2008). Factors influencing social responsibility disclosure by Portuguese companies. *Journal of business Ethics*, 83(4), pp.685-701.
 - Bushman, R. M. Piotroski, J. D. & Smith, A. J. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of accounting research*, 42(2), pp.207-252.
 - Cernusca, L. (2007). Ethics in accounting: The WorldCom inc. scandal. *Lex ET Scientia Int'l J.* 14, p.239.
 - Chin, W. W. Marcolin, B.L. and Newsted, P.R. (2003). A partial least squares latent variable modeling approach for measuring interaction effects: Results from a Monte Carlo simulation study and an electronic-mail emotion/adoption study, *Information systems research*, 14(2), PP: 189-217

- Choo Huang, C. Luther, R. Tayles, M. & Haniffa, R. (2013). Human capital disclosures in developing countries: figureheads and value creators. *Journal of Applied Accounting Research*, 14(2), pp.180-196.
- Clarkson, M. E. (1995). A stakeholder framework for analyzing and evaluating corporate social performance. *Academy of management review*, 20(1), pp.92-117.
- Daske, H. Hail, L. Leuz, C. & Verdi, R. (2013). Adopting a label: Heterogeneity in the economic consequences around IAS/IFRS adoptions. *Journal of Accounting Research*, 51(3), pp.495-547.
- Davari, A. and Rezazadeh, A. (2014), Structural Equation Modeling with PLS Software, Second Edition, *Tehran, Jahad University Press*, (In Persian).
- Dellana, S. & West, D. (2016). Survival analysis of supply chain financial risk. *The Journal of Risk Finance*, 17(2), pp.130-151.
- Falck, O. & Heblich, S. (2007). Corporate social responsibility: Doing well by doing good. *Business Horizons*, 50(3), pp.247-254.
- Foster, D. & Jonker, J. (2005). Stakeholder relationships: the dialogue of engagement. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 5(5), pp.51-57.
- Freeman, R. E. (2010). *Strategic management: A stakeholder approach*. Cambridge university press.
- Freeman, R. Edward.(1984). Strategic Management, A Stakeholder Approach. *Massachusetts, Pitman*.
- Greening, D. W. & Turban, D. B. (2002). Corporate social performance as a competitive advantage in attracting a quality workforce. *Business & Society*, 39(3), pp.254-280.
- Hair, J. F. Black, W. C. Babin, B. J. Anderson, R. E. and Tatham, R.L. (2006), Multivariate data analysis 6th Edition. *Pearson Prentice Hall, New Jersey. Humans: Critique and reformulation. Journal of Abnormal Psychology*, 87, pp.49-74
- Hopwood, A. G. Unerman, J. & Fries, J. (Eds.). (2010). *Accounting for sustainability: Practical insights*. Earthscan.
- Johnson, G. & Scholes, K. (1999). Exploring Corporate Strategy, Prentice Hall. *Europe*.
- Johnson, G. Whittington, R. Scholes, K. Angwin, D. & Regnér, P. (2011). *Exploring strategy*. Financial Times Prentice Hall.
- Keller, A. C. Smith, K. T. & Smith, L. M. (2007). Do gender, educational level, religiosity, and work experience affect the ethical decision-making of US accountants? *Critical perspectives on accounting*, 18(3), pp.299-314.
- Khaki, G.R. (2011), Research Methodology with a Thesis Approach, *Eighth Edition, Tehran, Baztab Publishing* (In Persian).

- Kusnetzky, Dan, (2010), Microsoft: market share, growth and market value. <http://www.zdnet.com/blog/virtualization/microsoft-market-share-growth-and-market-value/1977>.
- Lee, J. Park, S.Y. Baek, I. and Lee, C.S. (2008), the impact of the brand management system on brand performance in B-B and B-C environments, *Industrial marketing management*, 37(7), pp.848-855
- Linck, J. S. Lopez, T. J. & Rees, L. (2007). The valuation consequences of voluntary accounting changes. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28(4), pp.327-352.
- Luo, X. & Bhattacharya, C. B. (2006). Corporate social responsibility, customer satisfaction, and market value. *Journal of marketing*, 70(4), pp.1-18.
- Madhoshi, M. and Nasiri, A. (2010), the Impact of Industry Features on the Survival of Newly-Entered Companies; Case Study: Conversational Industries of Mazandaran Province, *Executive Management*, Year 10, Issue 1, Successive 38, pp.127-147 (In Persian).
- Madhoshi, M. and Tari, G. (2007), The Impact of Primary Capital on the Survival of Small and Medium-Sized Enterprises in Iran, *Knowledge and Development*, Issue 20, pp.147-166 (In Persian).
- Marion, Allison M. and Cengage, Gale, (2011). Ethics in Accounting, *Encyclopedia of Business and Finance*. <http://www.enotes.com/business-finance-encyclopedia/ethics-accounting>.
- Marzuki, M. Subramaniam, N. Cooper, B. and Dellaportas, S. (2017), Accounting academics' teaching self-efficacy - and ethics integration in accounting courses: A Malaysian study, *Asian Review of Accounting*, Vol. 25. pp.1-39
- Mowday, R. T. Porter, L. W. & Steers, R. M. (2013). *Employee—organization linkages: The psychology of commitment, absenteeism, and turnover*. Academic press.
- Namazi, M. and Kermani, E. (2008), Investigating the Effects of Ownership Structure on The Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, Vol. 15, pp.83-100 ,(In Persian).
- Namazi, M. and Rajabdari, H. (2016), Studying the Interaction of Constructs of the Model of Sustainable Development Professional Accounting Ethics via DEMATEL Technique, *Financial Accounting Research*, Year 9, Issue 1, pp.71-90 ,(In Persian).
- Persson, Helena, (2004). The Survival and Growth of New Establishments in Sweden, 1987-1995 *Small Business Economics*, 23, pp.423-440.

- Pothong, O. & Ussahawanitchakit, P. (2011). Sustainable accounting and firm survival: An empirical examination of Thai listed firms. *Journal of Academy of Business and Economics*, 11(3), pp.1-28.
- Provan, K. G. & Lemaire, R. H. (2012). Core concepts and key ideas for understanding public sector organizational networks: Using research to inform scholarship and practice. *Public Administration Review*, 72(5), pp.638-648.
- Rasool Qahravadi, M. and Fakhraei, E. (2017), the Effect of Capital Structure and Ownership Structure on the Survival of Companies in the Stock Exchange, *Quarterly of Planning and Budget*, Vol. 23, No. 1, pp.73-101(In Persian).
- Salehi, M. Hejazi, R. Talibnia, G. and Amiri, A. (2019), Presentation of a model of capital asset valuation models using financial distress risk and company life cycle, *Financial Management Strategy, Seventh Year*, Vol. 1, pp.95-12, (In Persian).
- Sayed Abbaszadeh, M.M. Amani Sarie Leglo, J. Khezri Azar, H. and Pashaei, Q. (2012), An Introduction to Structural Equation Modeling by PLS Method and Its Application in Behavioral Sciences, *First Edition, Urmia University Press* (In Persian).
- Schwartz, M. (2009). Beyond incubation: an analysis of firm survival and exit dynamics in the post-graduation period. *The Journal of Technology Transfer*, 34(4), pp.403-421.
- Simsek, Z. & Heavey, C. (2011). The mediating role of knowledge-based capital for corporate entrepreneurship effects on performance: A study of small-to medium-sized firms. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 5(1), pp.81-100.
- Steers, R. M. Mowday, R. & Porter, L. (1982). Employee-organization linkages: The psychology of commitment, absenteeism, and turnover. *New York: Academic*.
- Tari, G. (2012), Investigating the Effects of Average Occupation and Investment in the Industry on the Survival of New Companies, *Financial Knowledge Analysis of Securities*, Vol. 5, No. 4, pp.121-136 (In Persian).
- Vaghefi, S.H. and Darabi, R. (2018), The Structural Equation Modeling Approach in Three-Level Analysis of Financial Distress in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange, *Financial Management Strategy*, Vol. 6, Issue 3, pp.189-215, (In Persian).
- Vance, Robert J, (2006), Engagement and Commitment A guide to understanding, measuring and increasing engagement in your organization. <http://www.cpms.osd.mil>.
- Wahlqvist, I. (2014). *The Capital Structure, Ownership and Survival of Newly Established Family Firms* (Doctoral dissertation, BI Norwegian Business School).

- Wang, H. Tong, L. Takeuchi, R. and George, G. (2016), corporate social responsibility: An overview and new research directions: *Thematic Issue on Corporate Social Responsibility*
- Williams, C. C. (2005). Trust diffusion: The effect of interpersonal trust on structure, function, and organizational transparency. *Business & Society*, 44(3), pp.357-368.
- Wilson, N. Wright, M. & Scholes, L. (2013). Family business survival and the role of boards. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 37(6), pp.1369-1389.
- Xian-hua, Z. H. O. U. Wei, H. A. N. & Yu-zhou, W. A. N. G. (2010). The market reaction on the human resources information disclosure in Chinese listed companies. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 6(5), p.37.